

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی  
۰۲ جون ۲۰۱۴

## دولت سرکوب و سانسور، شکنجه و اعدام، فقر و فلاکت شیخ حسن روحانی!

با نهایت تأسف حکومت جهل و جنایت، شلاق و سنگسار، ترور و اعدام، غارتگر و مافیائی اسلامی، غلامرضا خسروی سوادجانی را به اتهام «محاربه از طریق تلاش مؤثر برای پیشبرد» اهداف سازمان مجاهدین خلق بامداد امروز یکشنبه یازدهم خردادماه [جوزا] ۱۳۹۳ - یکم جون ۲۰۱۴، در زندان رجائی شهر اعدام کرد.

این در حالی است که روز شنبه عفو بین الملل از مقام های حکومت اسلامی ایران خواسته بود تا اجرای حکم اعدام غلامرضا خسروی را متوقف کنند. عفو بین الملل تصریح کرده است، غلامرضا خسروی خلاف قوانین بین المللی و هم چنین قوانین جمهوری اسلامی از حق دادگاهی «عادلانہ» برخوردار نبوده است.

غلامرضا خسروی سوادجانی، سال ۱۳۸۶، به اتهام همکاری با شبکه تلویزیونی سازمان مجاهدین خلق در کرمان بازداشت و به سه سال حبس قطعی و سه سال حبس تعلیقی محکوم شد. سپس غلامرضا خسروی را از زندان رفسنجان به تهران منتقل کردند و در سال ۱۳۸۸، بار دیگر در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی پیرعباسی محاکمه کردند. این دادگاه انقلاب وی را به اتهام «محاربه» به اعدام محکوم کرد.

خانواده غلامرضا خسروی که ساعاتی پیش از اعدام با او ملاقات داشتند در شرایط روحی بسیاری بدی قرار دارند و امیدوارند حکم اعدام غلامرضا متوقف شود. غلامرضا، چهارشنبه هفته گذشته به صورتی ناگهانی، نخست به اجرای احکام اوین و سپس به قرنطینه زندان رجائی شهر منتقل شد و ساعاتی پیش به انفرادی زندان رجائی شهر انتقال یافته است.

مادر غلامرضا خسروی، با بیان این که ساعاتی پیش موفق به ملاقات او شده اند و متوجه شده اند که در انفرادی به او دستبند و پایبند زده اند و او را برای اجرای حکم اعدام آماده کرده اند به «جرس» می گوید: «نیم ساعت با غلامرضا ملاقات داشتیم و فضای ملاقات بسیار بد بود و اعضای خانواده با نگرانی و شوک ملاقات غیرمنتظره در شرایط روحی بسیار بدی بودیم. غلامرضا هم در حالی که سعی می کرد ناراحتی خود را از دیدگان ما پنهان کند ما را به صبر و توکل به خدا دعوت می کرد.»

مادر غلامرضا که ناتوان از حرف زدن بود و به دشواری کلمات را بر زبان می آورد گفت در پایان ملاقات گفتند فردا اعدام می شود و یک صورت جلسه هم که ما او را ملاقات کردیم جلوی ما گذاشتند تا امضاء کنیم. حکم اعدام را گویا به

خودش هم ابلاغ کرده بودند و آخرین توصیه ها را به ما می کرد... (در این جا مادر غلامرضا دیگر قادر به حرف زدن نبود و فرزند دیگرش گوشی را می گیرد و گفت و گو را ادامه می دهد.)

برادر غلامرضا در گفت و گو با جرس، ادامه می دهد: «ما امیدواریم که این کار را انجام ندهند و چندین بار در آخر صورت جلسه نوشتیم که این حکم غیرقابل قبول است و حقوقی نیست. دوباره صورت جلسه را قبول نکردند و گفتند فقط صورت جلسه را امضاء کنیم. خود غلامرضا از این که می دید خانواده در این سال ها چه عذابی کشیدند و الان در لحظات آخر آن ها را با این وضعیت روحی می دید ناراحت بود. فضای ملاقات اصلاً قابل توصیف نیست و حسام فرزند غلامرضا بند عینکش را گرفت و...»

آقای خسروی با بیان این که صبح به طور ناگهانی با او تماس گرفته و گفته اند که تمام اعضای خانواده را برای ملاقات ساعت هفت شب به زندان رجائی شهر بیاورد، اضافه می کند: «به آقای خدابخشی زنگ زدیم و گفتیم موضوع چیه؟ گفتند من گفته باشم که خانواده را حتماً برای ملاقات بیاورید. من گفتم نکند قرار است حکمش اجراء شود؟ گفتند شاید، چون حکمش به تأیید رسیده و هیچ ممانعتی برای اعدامش نیست به خاطر همین حتماً خانواده را برای ملاقات بیاورید. غلامرضا را روز چهارشنبه به اجراء احکام اوین سپرده اند و آقای خدابخشی و مؤمنی هم بوده اند و به غلامرضا گفته بودند که در حوادث بند ۳۵۰ نقش مؤثری داشته و حکمش هم که اعدام است و بعد به او دستبند می زنند و او را به رجائی شهر می فرستند و امروز از قرنطینه به انفرادی رجائی شهر منتقلش می کنند.»

وی خطاب به مسئولین می گوید: «خاموش کردن یک معترض به قیمت این که صدها معترض دیگر ایجاد کند اصلاً به صلاح و عقلانی نیست. این روش ها ظالمانه و غیرقانونی هستند و درست نیست کسی به خاطر کمک مالی بخواهد اعدام شود. این جا صحبت از جان یک انسان است. از مسئولین درخواست داریم که جلوی این اعدام را بگیرند و نگذارند این مسأله به یک فاجعه تبدیل شود.»

خواهر غلامرضا، به رسانه ها گفته است: «اکنون که به اوین آمده ایم تا پیکر غلامرضا را تحویل بگیریم، یکی می گوید جسد در گوهردشت است یکی می گوید در اصفهان است. معلوم است که می خواهند مخفیانه او را دفن کنند. حتی از جسد برادرم می ترسند.»

خواهر غلامرضا، گفت: «ما را در یک سالن حبس کردند، بعد از ما امضاء گرفتند که حکمش را رؤیت کرده اند. ما چه حکمی را رؤیت کردیم؟ نه غلامرضا و نه ما این حکم را ندیدیم.»

خواهر غلامرضا افزود: «حالا هم که تقاضای جسدش را کرده ایم. خدابخشی مشتی چرت و پرت جواب ما را می دهد و این مردک لات بی سر و پا به ما توهین می کند...»

از سوی دیگر، شنیده شده است که مسؤولان زندان اوین در حمله وحشیانه شان به زندانیان سیاسی بند ۳۰۵ اوین، به غلامرضا گفته بودند که حکم اعدامش را به زودی اجراء خواهند کرد.

زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین، روز پنجشنبه ۲۸ فروردین [حمل] ۱۳۹۳ - ۱۷ اپریل ۲۰۱۴، در جریان بازرسی زندان هدف ضرب و شتم نیروهای امنیتی لباس شخصی قرار گرفتند. حمله به زندانیان سیاسی در پی اعتراض و مقاومت آنها در برابر یک بازرسی غیرعادی و خشونت آمیز بند ۳۵۰ از سوی مأموران امنیتی صورت گرفت.

خبر هجوم وحشیانه مأمورین حکومتی به زندانیان سیاسی، موجی از نگرانی را در جامعه ایران، به خصوص میان خانواده های زندانیان سیاسی ایجاد کرد.

اعتراض های خانواده ها و بازتاب وسیع آن در رسانه های داخل کشور و فارسی زبان خارج کشور و نیز خبرگزاری های بین المللی، مسؤولان زندان اوین را ناگزیر ساخت که به ملاقات گروهی از زندانیان با خانواده هایشان تن دهند تا

ادعای شان مبنی بر «عادی بودن اوضاع» و «عدم وقوع هیچ حادثه‌ای» اثبات گردد. اما دیدار جمعی از خانواده‌ها با بستگان دربند خود، گزارش‌های مربوط به ضرب و شتم زندانیان را تأیید کرد.

خانواده‌های زندانیان سیاسی پس از سه روز تجمع مقابل دادستانی تهران، مجلس شورای اسلامی و در نهایت نهاد ریاست جمهوری، سرانجام روز گذشته سه‌شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۳ - ۲۲ اپریل ۲۰۱۴، موفق به دیدار با مسوول بازرسی ارتباطات مردمی ریاست جمهوری شدند. در این دیدار نمایندگان خانواده‌های زندانیان سیاسی خواستار رسیدگی به این تهاجم از سوی دولت شدند.

پس از این تهاجم مأمورین حکومت اسلامی به زندانیان سیاسی در زندان اوین، اعتراضات وسیعی در داخل و خارج کشور راه افتاد به طوری که دولت و دادگستری و مجلس و کمیسیون امنیت ملی و...، با هدف خاموش کردن صدای اعتراضات مردم هم چون گذشته، وعده دادند که در این مورد کمیسیون‌های تحقیق تشکیل خواهند داد و نتایج بررسی آن را به جامعه اعلام خواهند نمود.

محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت روحانی روز چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۳ - ۲۳ اپریل ۲۰۱۴، در جلسه خبری خود در تهران گفت: «تیمی از سوی دولت برای بررسی وقایع اخیر زندان اوین تشکیل شده است که پس از انجام بررسی‌های لازم، گزارش مربوطه را منتشر خواهیم کرد.»

مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری دولت شیخ حسن روحانی، درباره حادثه اوین واکنش نشان داد. او گفت، این حادثه در دولت مورد بررسی قرار گرفته است. پورمحمدی نیز همانند مسوولان زندان اوین با کم اهمیت خواندن حادثه، ادعا کرد که آن چه اتفاق افتاده یک بازرسی عادی بوده و «تنها یک یا دو نفر آن هم به دلیل درگیری با یکدیگر آسیب دیده‌اند.»

نمایندگان مجلس نیز در تذکری کتبی خطاب به مصطفی پور محمدی، خواستار بررسی جزئیات این حادثه شدند. علی مطهری، ایرج عبدی، جواد هروی، مسعود پزشکیان، محمدباقر شریعتی، عبدالکریم حسین زاده، محمدرضا تابش، هادی حسینی و علیرضا محبوب از جمله امضاءکنندگان این تذکر کتبی هستند.

خانواده‌های زندانیان سیاسی، هم چنین با تجمع مقابل مجلس خواستار شفاف سازی جزئیات این حادثه توسط نمایندگان شده بودند. پس از آن، رئیس سازمان زندان‌ها در کمیسیون امنیت ملی مجلس حاضر شد اما توضیحات او برای برخی نمایندگان مجلس، از جمله علی مطهری، قانع کننده نبوده است.

به گزارش روزنامه اعتماد، قرار است که چهار تن از نمایندگان مجلس به عنوان «کمیته پیگیری حادثه بند ۳۵۰ اوین»، در زندان اوین حاضر شده و جزئیات حادثه را از طریق شاهدان در ماجرا و هم چنین بازبینی دوربین‌های مدار بسته زندان دنبال کنند.

حسین نقوی حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی درباره جزئیات این کمیته پیگیری گفت: «قرار است چهار تن از نمایندگان که نسبت به اتفاقات اوین اعتراض دارند و مدعی هستند که حادثه ای رخ داده است به بازداشتگاه بروند و جزئیات را از نزدیک پیگیری کنند.» به گفته نقوی حسینی، افرادی مثل مطهری و دواتگری در این کمیته حضور خواهند داشت.

رئیس سازمان زندان‌ها که پیش تر گفته بود حادثه پنجشنبه گذشته یک بازرسی عادی بود و هیچ درگیری در آن پیش نیامد. او ادعا کرد زندانیانی که نگران کشف این قبیل وسایل در اتاق هایشان بودند این درگیری را به راه انداختند.

پس از این واقعه رئیس سازمان زندان‌ها، مورد تشویق قرار گرفت و ارتقاء مقام یافت. این بار نیز همانند گذشته، وعده‌های سخنگوی دولت روحانی و وزیر دادگستری و کمیسیون مجلس و غیره نه تنها تو خالی و دورغین از آب درآمدند،

بلکه اکنون با اعدام غلامرضا خسروی، قصد دارند هم از خانواده های زندانیان سیاسی و مردم آزاده و هم از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین زهرچشم و انتقام بگیرند.

دیگر نباید کسی به وعده های تو خالی شیخ حسن روحانی متوهم شود. از روزی که دولت این شیخ مانند دولت های قبلی روی کار آمده در خارج در مقابل رقبایشان و در رأس همه امریکا و اتحادیه اروپا، زانو زده و به غلط کردیم افتاده اما در داخل کشور سرکوب و سانسور، دستگیری، شکنجه و اعدام را تشدید کرده است. سرکوب سیستماتیک زنان، شدید تر از گذشته، ادامه دارد؛ کودکان بی حقوق مانده اند؛ بر اثر بیکاری، گرانی و تورم و فقر، آسیب های اجتماعی به طور چشم گیری افزایش یافته و بازارهایی مانند بازار کلیه فروشی، تن فروشی و اعتیاد نیز داغ تر شده است. در این میان، هرگونه اعتراض کارگران و مردم آزاده را به وحشیانه ترین شکلی سرکوب می کنند.

سازمان عفو بین الملل می گوید که حکومت اسلامی ایران، مطابق آمار رسمی در سال جاری میلادی و تا هفته گذشته ۱۵۱ مورد حکم اعدام را به اجرا گذاشته است. هرچند منابع غیررسمی تعداد این اعدام ها را تا ۱۸۰ مورد اعلام کرده اند.

این حکومت جانی، سی و پنج سال است با آن ایدئولوژی و فرهنگی ارتجاعی و خرافی و قرون وسطائی اسلامی اش، نفس اکثریت مردم جامعه مان را بریده؛ فقر و فلاکت بی سابقه ای را به مردم ایران تحمیل کرده؛ زندان بانان شان در زندان ها به زنان و مردان تجاوز کرده؛ مخالفان و مردم حق طلب را گروه گروه اعدام نموده و... بنابراین، چرا باید به وعده های جانین رنگارنگ چنین حکومتی اهمیت داد و منتظر تحقق آن ها ماند؟! در حالی که جای واقعی کلیت این حکومت و ایدئولوژی اسلامی آن، زباله دادن و گورستان تاریخ است نه حاکمیت!

با این وجود و هنوز هم برخی از افراد و گروه هایی که از جمله ساکن خارج از کشور هستند، اما همواره مستقیم و غیرمستقیم از دولت شیخ حسن روحانی حمایت می کنند در حقیقت به جنایات بی شمار حکومت اسلامی که هر لحظه و هر روز علیه بشریت مرتکب می شود، چشم بسته اند. برای نمونه، کسانی مانند آقایان تقی رحمانی، فرخ نگهدار و هم فکران آن ها که در رادیوها و تلویزیون های فارسی زبان خارج کشور مانند بی.بی.سی، رادیو فردا، تلویزیون دولتی امریکا، یا گروهائی مانند جمهوری خواهان رنگارنگ، ملی - مذهبی ها، اصلاح طلبان درون و بیرون حکومت اسلامی، لیبرال ها، اپورتونیست ها، مقام پرست ها، پول پرست ها، «توانا: آموزشکده جامعه مدنی ایران» و غیره دور هم جمع شده اند، همواره از دولت جانی روحانی حمایت می کنند در واقع آگاهانه و ناآگاهانه کلیت حکومت جهل و جنایت، ترور و شکنجه و اعدام را تقویت می کنند.

در چنین شرایطی، ضروری است که اعتراضات خانواده های زندانیان سیاسی و اجتماعی، با حمایت جنبش های اجتماعی و همه نیروهای آزادیخواه و برابری طلب و در رأس همه جنبش کارگری، با هدف آزادی همه زندانیان سیاسی و لغو سانسور و شکنجه و اعدام آغاز شود.

ضمن اعلام هم دردی و همبستگی با خانواده و دوستان غلامرضا خسروی سوادجانی، آرزو دارم که مردم آزاده ایران با سرنگونی کلیت حکومت تبهکار و مافیائی و آدمکش اسلامی، بتوانند در فضائی آرام حکومت دلخواه، آزاد و برابر و انسانی خود را به وجود آورند و برای همیشه به ظلم و ستم، شکنجه و اعدام، فقر و فلاکت در ایران نقطه پایانی بگذارند. یاد همه جان باختگان راه آزادی و برابری گرامی باد!

یکشنبه یازدهم خرداد [جوزا] ۱۳۹۳ - یکم جون ۲۰۱۴